



شواهد ارتباط فرهنگی آغازایلامی تا ایلام قدیم براساس متون بین‌النهرین

I کمال‌الدین نیکنامی

II مرتضی حصارى

III طاهره شکری

(صص: ۲۶-۲۵)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹
شناسه دیجیتال (DOI): 10.30699/PJAS.3.8.25

چکیده

دوره فرهنگی آغازایلامی به دلیل ورود فلات ایران به مرحله‌ای دیگر از دوره شهرنشینی و داشتن گل‌نوشته‌هایی که معرف شروع نوشتار در این سرزمین است، یک مرحله مهم در آغازتاریخی ایران محسوب می‌شود. پس از آن، دوره ایلام به دلیل ایجاد اولین حکومت‌های سلسله‌ای سرزمین ایران بسیار مورد توجه است. توالی آغازایلامی تا شروع دوره ایلام قدیم بر مبنای نوشتار آغازایلامی و ایلامی، خطی دارای شبهاتی است و بر مبنای برخی اطلاعات و داده‌ها از جمله نوشتار آغازایلامی، توقف یک باره دوره آغازایلامی مدنظر قرار گرفته و سیر تحول آن تا دوره ایلام قدیم با علامت سؤال مطرح می‌شود، اما توالی یادشده در متون بین‌النهرین (شبه‌میخی و میخی دوره‌های اوروک، جم‌ت نصر، سلسله‌های اولیه تا دوره اکد و حتی بعد از آن) قابل پی‌گیری و بررسی است. پژوهش انجام‌گرفته با هدف بررسی نام ایلام، سرزمین و ایالات آن در بازه زمانی پس از آغازایلامی تا ایلام قدیم در متون بین‌النهرینی انجام گرفت و مهم‌ترین پرسش این پژوهش پاسخ به شناخت چگونگی توالی دوره آغازایلامی تا ایلام قدیم بر مبنای متون بین‌النهرینی در این فاصله زمانی است. پی‌جویی‌های انجام‌گرفته در کنار یافته‌های باستان‌شناسی، وجود نام ایلام و ایالات ایلامی را در هزاره سوم قبل از میلاد در متون زبان‌شناسی بین‌النهرینی به دست آمده از این برهه زمانی، تأیید می‌نماید. پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی صورت گرفته و از نظر روش، توصیفی است. روش یافته‌اندوزی به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و تمامی آن‌ها از منابع معتبر استخراج شده‌اند. اساس تحلیل بیشتر متکی بر اطلاعات و یافته‌های کتابخانه‌ای است.

کلیدواژگان: آغازایلامی، ایلام قدیم، بین‌النهرین، متون سومری.

I. استاد گروه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

II. دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان.

III. دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی دوره تاریخی دانشگاه هنر اصفهان (نویسنده مسئول). tahereshokri@yahoo.com

مقدمه

آغازایلامی اولین بار در شوش، که به طور سنتی یکی از پایتخت‌های حکومت ایلام پذیرفته شده است، یافت شد (Brentjes & Tosi, 1983: 240; Hessari, 2011). شناسایی این دوره فرهنگی به کاوش‌های محوطه شوش در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ م. برمی‌گردد که با کشف تعداد بسیاری گل‌نوشته، نوری تازه بر مراحل باستان‌شناسی ایران تاباند. اولین متون آغازایلامی در سال ۱۸۹۹ م. در طول کاوش‌های ژاک دمورگان در شوش، بلافاصله زیر لایه ۲ تپه ارگ در کارگاه ۷ یافت شد و یک سال بعد توسط ونسایل شایل منتشر شد (Dahl, 2010: 2). از آنجایی که این گل‌نوشته‌ها به همراه چند سنگ‌نوشته به خط میخی اکدی مربوط به آخرین حکمران سلسله آوان، یعنی پوزوراینشوشیناک کشف گردید؛ شایل را بر آن داشت تا به گل‌نوشته‌های به دست آمده، نام پروتو/آغازایلامی برای توصیف حروف نوشتاری نظام قدیم، که تصور می‌شد پیش از نوشتار ایلامی بود، اطلاق کند (Scheil, 1906; 1923; 1935). شایل فرض کرد که زبان ارائه شده در گل‌نوشته‌ها نسخه اولیه ایلامی بوده است (Alizadeh, 2010: 371; Scheil, 1906: 59). در واقع شوش و آثار به دست آمده از آن - حدود ۹۰ گل‌نوشته شماری و بیش از ۱۴۵۰ گل‌نوشته آغازایلامی و مجموعه بزرگی از مهرها و اثرمهرهای هم‌زمان - به عنوان مرجعی برای هر بحث آغاز است (اکبری و حصاری، ۱۳۸۳: ۲۸; Carter, 1998: 317; Amiet, 1972).

پس از آن در محوطه‌های دیگری چون تل‌گسر - یک گل‌نوشته شماری - (Caldwel, 1968; Whitcomb, 1966; علیزاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵)، تپه یحیی - ۲۶ گل‌نوشته اقتصادی - (Lamberg-Karlovsky, 1976: 72)، شهر سوخته - یک گل‌نوشته اقتصادی - (Tosi, 1983)، میان ۴ - گل‌نوشته شماری و ۳۲ گل‌نوشته اقتصادی - (Mutin & Lamberg-Karlovsky, 2013: 23; Abdi, 2001; Sumner, 1990; Stolper, 1985: 3) سیلک - ۱۴ گل‌نوشته شماری و ۵ گل‌نوشته اقتصادی - (Girshman, 1934) اکبری و حصاری، ۱۳۸۳: ۳۶-۳۵؛ اشمانت بسرات، ۱۳۹۵: ۷۷)، گودین - ۴۲ گل‌نوشته شماری - (Weiss & Young, 1975)؛ اشمانت بسرات، ۱۳۹۵: ۷۷؛ گوینیک و راثمن، ۱۳۹۵: ۸۵، تصویر ۴، ۲۴)، با به دست آمدن الواح آغازنگارش و آغازایلامی، بر اطلاعات این افق زمانی افزوده شد. اطلاعات این محوطه‌ها گمان را بر آن داشت که محوطه‌های آغازایلامی را فقط باید در نیمه جنوبی فلات ایران جست‌وجو کرد، اما به دست آمدن آثاری از این افق زمانی در محوطه‌هایی چون: حصار (Schmidt, 1937; Dyson & Howard, 1989)؛ یغمایی، ۱۳۹۰)، ازبکی (مجیدزاده، ۱۳۸۲ و ۱۳۹۰: Dahl et al., 2013)، قلی درویش (سرلک، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰) و یافت شدن تعداد زیادی گل‌نوشته در تپه سفالین (Hessari, 2011; Hessari & Yousefi Zoshk., 2013) دامنه نفوذ این فرهنگ را تا شمال فلات مرکزی ایران گسترش داد و گستره وسیعی از فلات ایران را شامل گردید. گسترش آغازایلامی از جنوب غرب آغاز شده و عمدتاً در جهت شرق جریان یافته است؛ روندی که اساساً با کشف گل‌نوشته‌های آغازایلامی در سرتاسر این مناطق مشخص شده است (کوهل، ۱۳۸۷: ۴۱۰). متون آغازایلامی هزاره سوم قبل از میلاد فقط به امر اداری محلی می‌پردازند (استیون موری، ۱۳۸۹: ۴۰) و مدارک دریافت و پرداخت غلات، احشام و کارگران هستند (Englund, 1998: 326)؛ هینتس، ۱۳۹۶: ۲۸). نظام نوشتار آغازایلامی شبیه به نظام آغازنوشتاری در بین‌النهرین است، البته نه با شباهت کامل نشانه‌ها و احتمالاً کمی جدیدتر از آغاز سومری است. اگر تاریخ آغاز نوشتار را به طور قراردادی از ۳۲۰۰ ق. م. (اوروک IVa) بپذیریم، ابتدای تاریخ آغازایلامی باید حدود ۳۰۵۰-۲۹۰۰ ق. م. باشد (Oppenheim, 1964: 237)؛ Englund, 1998: 325). فرهنگ آغازایلامی مرحله دوم دوره آغازنگارش ایران و با دوره فرهنگی جمدت نصر (اوروک III) و سلسله‌های قدیم I بین‌النهرین هم‌زمان است. برخی پژوهشگران تجلی این دوره را واکنشی به تغییرات سیاسی و اقتصادی در مبادلات بین سرزمین‌های بلند ایران و دشت‌های

آبرفتی رودخانه‌های دجله و فرات پیشنهاد کرده‌اند (Alden, 1982: 613؛ Dahl, 2010: 2)؛ در واقع فرهنگ آغازایلامی نتیجه رشد و تکامل اجتماعی است. در این مقطع زمانی براساس نیاز بیش از حد (در مقایسه با دوره‌های قبل از آن به حسابداری امور اقتصادی) به داشتن یک نظام ثبت واحد منجر به ابداع خط اولیه گردیده است و خود را براساس این گل‌نوشته‌ها از دوره قبل متمایز می‌سازد (حصاری، ۱۳۷۸: ۱۴).

هرچندکه استفاده از یک شیوه نوشتاری جداگانه و ویژه در استقرارهای گوناگون در سراسر یک ناحیه بسیار گسترده، بدون تردید پیوندهای فرهنگی را نشان می‌دهد، ولی خود متون تاکنون هیچ اشاره بایسته‌ای به پیوندهای سیاسی یا اقتصادی ویژه میان مکان‌های آغازایلامی ندارند؛ اما شاید مکان‌هایی که در آن‌ها الواح آغازایلامی به دست آمده، پیشگامان آن پادشاهی‌های ایلامی باشند که در متن‌های بین‌النهرینی بعدی از آن‌ها سخن گفته شده است (استولپر، ۱۳۸۹: ۳۴-۳۳).

پس از آغازایلامی، حجم اطلاعات در برخی محوطه‌ها تا حدودی کاسته و برخی از ویژگی‌های این دوره کنار گذاشته و یا کم‌رنگ شده است؛ مدارک نوشتاری نیز ادامه و تکامل دوره را تا مرحله بعدی، یعنی ایلام قدیم به وضوح نشان نمی‌دهند و حتی می‌توان گفت تفاوت بیان آغازایلامی و ایلامی خطی، تأیید شده است. هیچ نمونه‌ای از نگارش در ایران در فاصله زمانی ناپدید شدن نظام نوشتاری آغازایلامی و آغاز خط میخی در حدود ۲۲۰۰-۲۳۰۰ ق.م. وجود ندارد (دال، ۱۳۹۴: ۴؛ کالینز، ۱۳۹۶: ۶۰). این واقعیت که این نظام نوشتاری محلی پس از چند قرن بدون هیچ جایگزین مشهودی از بین می‌رود، به اندازه ظهور نسبتاً دیرنگام نگارش در شوشان عجیب است. نگارش آغازایلامی توسعه نیافت و هنگامی که کاربرد آن متوقف شد، تا ۵ قرن خط دیگری جایگزین آن نشد (نیسن، ۱۳۸۹: ۱۰۱)؛ اما اطلاعات ناچیز به دست آمده در این فاصله زمانی می‌تواند ادامه روند تکاملی این جوامع را با تغییراتی در هریک از آن‌ها گوشزد کند و در این میان مدارک نوشتاری به دست آمده از همسایه غربی، یعنی بین‌النهرین بر ادامه روند تکاملی این جوامع صحه می‌گذارد. اگرچه سیر تکاملی نگارش آغازایلامی به ایلامی خطی با وقفه همراه بوده و تاکنون شواهد متقنی برای ارتباط این دو خط به طور واضح یافت نشده است و «با آنکه متون ایلامی پیش از اواخر هزاره دوم قبل از میلاد اندک هستند، تأیید مکرر ایلام و ایلامیان در متون بین‌النهرین از هزاره سوم قبل از میلاد به این سو و تاریخچه درگیری‌های نظامی بین‌النهرینی-ایلامی تا ۲۰۰۰ سال قابل ردگیری است» (پاتس، ۱۳۹۱: ۱۵). مدارک زبان‌شناسی به دست آمده از سرزمین بین‌النهرین -از آن جمله اسطوره سرزمین آرت (رید، ۱۳۸۶: ۹۴؛ کرامر، ۱۳۹۱: ۱۲) - نیز بر گسترش تجارت و به تبع آن افزایش تبادلات فرهنگی و رونق محوطه‌ها صحه می‌گذارد که با کشف شبکه‌های تجاری که در شرق تا دره سند کشیده شده است، این مطلب به لحاظ باستان‌شناختی نیز کاملاً ثابت شده است (شاخت، ۱۳۸۲: ۳۵۰). نام ایلام و دوره به اصطلاح ایلام قدیم در منابع سومری به وضوح قابل بررسی است (Steible, 1982: 213-218). کتیبه‌های سومری بین‌النهرین حدود ۲۶۰۰-۲۷۰۰ ق.م. از سومرنگار «لوگل نیم» به معنای «پادشاه ایلام» استفاده کرده‌اند و این منابع را تا زمان آخرین شاه اووان، یعنی پوزوراینشوشیناک حدود ۲۱۰۰ ق.م. و متون ایلامی خطی برجای مانده از او را که دیگر از خود ایلامی‌ها کتیبه برجای مانده است، می‌توان دنبال کرد (Potts, 1999: 87, 122).

پرسش و فرضیات پژوهش: مهم‌ترین پرسش این پژوهش پاسخ به شناخت چگونگی توالی

دوره آغازایلامی تا ایلام قدیم برمبنای متون بین‌النهرینی در این فاصله زمانی است. پی‌جویی‌های انجام‌گرفته در کنار یافته‌های باستان‌شناسی، وجود نام ایلام و ایالات ایلامی را در هزاره سوم قبل از میلاد در متون زبان‌شناسی بین‌النهرینی به دست آمده از این برهه زمانی، تأیید می‌نماید.

روش پژوهش: پژوهش حاضر دارای نظام کیفی و راهبردی است و براساس هدف‌های بنیادی

صورت گرفته و از نظر روش، توصیفی است. روش یافته‌اندوزی به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده و

تمامی آن‌ها از منابع معتبر استخراج شده‌اند. اساس تحلیل بیشتر متکی بر اطلاعات و یافته‌های کتابخانه‌ای است.

شواهد زبان‌شناسی در خصوص اسامی ایالت‌های ایلامی در متون بین‌النهرین

در این بحث شواهد زبان‌شناسی را در دو بخش متون شبه‌میخی و میخی که ارتباط ایلام و بین‌النهرین را ثبت کرده‌اند، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

بخش کوهستانی شرق برای مردمان ساکن بین‌النهرین به اندازه‌ای اهمیت داشت که واژه سومری نیم / Nim در متون بین‌النهرینی از دوره اوروک III برای نواحی کوهستانی به‌ویژه کوه‌نشینان فلات ایران به‌کاررفته است. متون خط میخی اولیه از نوع اوروک III مکشوف از محوطه‌های اوروک و جمدت نصر، واژه «نیم کی» را دارند. واژه «نیم ب ۲ کی الف» / Nim b2 Ki a در جمدت نصر به اسامی زنان برده افزوده شده است، حال آنکه در اوروک نشانه «نیم ب ۲» بدون معرف جغرافیایی «کی» در فهرست واژگانی کهن در عناوین مقامات بلندمرتبه دیده می‌شود. متأسفانه نمی‌توان مطمئن بود که نشانه به‌کاررفته در این تاریخ به ایلام اشاره داشته است. در متون اوروک و جمدت نصر منطقی نیست که «نیم» را همان‌طور بخوانیم که در متون جدیدتر خوانده می‌شود (Zadok, 1994: 37; Selz, 1991: 31; Potts, 1999: 87-88)، از سوی دیگر نشان توصیفی عام «کی» برای اسامی اماکن، مبهم است، مگر آنکه واژه‌های معادل شهر «اورو» یا سرزمین «کور» پیشوند آن شده باشد. به‌راستی نمی‌توان پی برد که مقصود شهر بوده است یا منطقه. در اندک موارد می‌توان پی برد که افزون بر نام شهرها، برخی نام‌ها نیز متعلق به مناطقی با ابعاد گوناگون است؛ از قبیله یا دیگر قلمروهای قومی گرفته تا قلمروهای ملی، امپراتوری‌ها و محدوده‌های فراملیتی را شامل می‌شود. از همین رو است که به‌نظر می‌رسد نام ایلام، «نیم» گاهاً اطلاق عام به مردم «بلندی‌های شرقی» بوده است؛ بنابراین به دشواری می‌تواند نمایان‌گر ایلامیان راستین بوده باشد (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۶-۱۲). این نکته حائز اهمیت است که واژه NIM در سومری دارای چندین معناست: Zumbu (با تلفظ Nim و Num، به معنی مگس و زیوری ساخته شده به شکل مگس است. Elu بلندبودن، agūš بلند، Harāpu و Harpu زود و همراه با شناسه GIš (برای گیاهان و صنایع چوبی)، Baltu که نوعی گیاه خاردار است و با شناسه Ki (برای محل) (ma) Elam «سرزمین ایلام». چون یکی از تلفظ‌های Nim در زبان اکدی Elū است، برخی از شرق‌شناسان گمان برده‌اند که واژه (ma) Elam در سومری و Elamtu در اکدی بایستی گونه‌ای اسم ناشناخته از بن فعل باشد و Elam را سرزمین بلند، معنی کرده‌اند (ارفعی، ۱۳۷۶: ۸۲). اما نام ایلام به‌طور روشن در متون بعد از آغاز ایلامی، یعنی بازه زمانی بعد از ۲۷۰۰ ق. م. به بعد دیده می‌شود (Steible, 1982: 218; Potts, 1999: 87; Patss, 1985: ۱۳۸۵). (۱۳۹۹).

گرچه اشکال پیچیده‌ای از نگارش در جنوب بین‌النهرین و جنوب غربی ایران در هزاره ۴ ق. م. ابداع شد، اما تا پیش از حدود ۲۵۰۰ ق. م. نمی‌توان دقیقاً برمبنای متون نوشتاری درباره تاریخ منطقه سخنی گفت. در این دوره نیز بازسازی رخدادها برمبنای کتیبه‌های سلطنتی است (کالینز، ۱۳۹۶، ۲۸). کلمات ایلامی هم در منابع ایلامی و هم غیرایلامی قابل مشاهده هستند و واژگان ایلامی از نیمه دوم هزاره سوم قبل از میلاد مستند شده‌اند (Zadok, 1995: 241)، اما اطلاعات پیش‌سارگونی اندکی مربوط به ایلامیان به دست آمده است (Zadok, 1994: 43). منابعی که درباره تاریخ سلسله آغازین بین‌النهرین وجود دارند، آگاهی‌های ناچیزی را برای پژوهش درباره تاریخ ایلام در اختیار می‌گذارند. این منابع که گاه به ایلام اشاره می‌کنند، بیش از همه درباره جنگ‌های پراکنده ایلام و بین‌النهرین در هزاره سوم قبل از میلاد که در ادوار بعدی هم دیده می‌شوند، گزارش می‌دهند (استولپر، ۱۳۸۹: ۳۵). ایلام در طول هزاره سوم قبل از میلاد و مدت‌ها پس از آن، مهم‌ترین و

نیرومندترین همسایه سومر بود (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۹). در صورت نوشتاری سرزمین ایلام در خط میخی سومری از شکل Nim. Ki استفاده شده که به صورت گفتاری آن Elam (ma) بوده است (ارفعی، ۱۳۷۶: ۸۲؛ ۱۳۶۷: ۷۸-۷۷). نشانه اولیه «نیم» برای شناسایی اشخاص در گزارشی اقتصادی در یکی از متون عتیق اور متعلق به سلسله قدیم I (حدود ۲۷۰۰-۲۹۰۰ ق. م.) به کار رفته است (Zadok, 1994: 37). از حدود ۲۷۰۰ ق. م. در تاریخ با نام «ایلام» مواجه می‌شویم (جانسون، ۱۳۸۲: ۵۷۸). فهرست واژگانی (۲۶۰۰-۲۷۰۰ ق. م.) از نام خدایان مکشوف از ابوصلابیخ در جنوب بین‌النهرین از خدایی به نام «لوگال نیم» نام می‌برد، «نیم» به صورتی که در اینجا به کار رفته است، به ایالت ایلام دلالت دارد؛ پس نام خدا را می‌توان پادشاه ایلام معنی کرد. برخلاف گواهی‌های دیگر «نیم»، مدارک غیرمستقیم بیانگر این است که این واژه به ایلام اشاره دارد؛ زیرا خدایی که درست پیش از «لوگال نیم» آمده، «لوگل آرت» است که ظاهراً با سرزمین شرقی دیگری - اساطیری یا واقعی - به نام «آرت» در ارتباط بوده است. هشت سطر پس از «لوگال نیم»، خدایی به نام «نین شوشیناک» را می‌یابیم که قریب به یقین «اینشوشیناک» خدای اصلی بعدی شوش است. در اواخر سلسله قدیم II یا پس از آن در سلسله قدیم III (حدود ۲۳۵۰-۲۶۰۰ ق. م.) وضعیت روشن‌تر می‌شود (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۳۷-۱۳۹؛ Potts, 1999: 87-88).

شایان توجه است که واژه سومری معادل «کوه» (کور) را برای «سرزمین خارجی» نیز به کار می‌برند و بنابراین اطلاق برای خارجی نیز شمرده می‌شد و از دید ادبی، «مردی از کوهستان» نیز معنی می‌داد (لو-کور). در متون غیرادبی هزاره سوم قبل از میلاد مکان‌های غیر بین‌النهرینی که با واژه «اورو» (شهر) توصیف شده‌اند، عبارتند از: انشان، شریهوم (آن سوی دجله؟) و تیشیدی. مکان‌هایی نیز که با نشان «کور» (سرزمین خارجی) توصیف شده‌اند، عبارتند از: سویبر، مروتو، ایلام، دیلمون، مگن، و ملوهه، تیدنوم، گوتیوم، مرهشی، لولوبی و بسیاری دیگر. بسیاری از مکان‌های دیگر را با نشان توصیفی م-د/م-آت آورده‌اند که به صورت سرزمین (ها) ترجمه شده و شاید به معنی سرزمین‌های شهر [X] باشد. این دسته شامل مکان‌های خارجی مانند شیمشکی (لو. سو. آ)، سیگریش و زبشلی (هر دو در شیمشکی)، انشان، اوان، ایلام، گوتیوم، همزی و شوش می‌شوند (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۳).

فهرست شاهان سومری مهم‌ترین منبع تاریخی برای سرزمین ایلام است. این مدرک در واقع پس از سقوط سلسله سوم اور تدوین شده است (کرافورد، ۱۳۸۷: ۳۰). در این فهرست، دبیران نام پادشاهان و مدت پادشاهی آنان از طوفان تا پادشاهان ایسین را آورده‌اند که ۱۲۳ شاه پیش از سلسله ایسین ذکر کرده‌اند (Delaport, 1996: 21; Kramer, 1972: 35)، اما درباره بیست و یکمین پادشاه این دودمان مطلب مهمی روایت می‌شود که در نظر دبیران، نخستین رویداد سیاسی پس از طوفان بوده است. دبیران به ما می‌گویند که «ان مبرگیسی، ایلام را فرمان‌گذار خود کرد» (کمرن، ۱۳۸۶: ۲۱) و تاکنون کهن‌ترین خبر از روابط ایلام و بین‌النهرین مربوط به حدود سال ۲۶۸۰ ق. م. است. به طوری که از فهرست شاهان سومری برمی‌آید، در آن زمان ان مبرگیسی، شاه نیمه‌افسانه‌ای نخستین سلسله کیش - کسی که به طور تاریخی هم اطلاعاتی از او داریم -، «سلاح‌های سرزمین ایلام را به غنیمت برده است». ان مبرگیسی، نخستین پادشاه پیش‌سارگونی است که دو کتیبه وجود او را تصدیق کرده، اما تنها اسم و عنوان او را داده‌اند (Jacobsen, 1939: 85; Kramer, 1972: 28; Oates, 1986: 44; هینس، ۱۳۸۶: ۸۰؛ رو، ۱۳۶۹: ۱۲۹). فهرست شاهان سومری سه نبرد مرتبط را گزارش می‌دهند:

ستون II سطر ۳۷-۳۵: ان مبرگیسی از کیش به ایلام حمله برد.

ستون IV سطر ۶-۵: به اور حمله شد و پادشاهی آن به اوان انتقال یافت.

ستون IV سطر ۱۹-۱۷: به اوان حمله شد و پادشاهی آن به کیش منتقل شد.

این بازستانی پس از ۳۵۶ سال صورت می‌گیرد

(پاتس، ۱۳۸۵: ۱۳۹؛ Kramer, 1972: 50؛ Jacobsen, 1939: 93-95). در مجموع این متن ۴ دوره نفوذ خارجی‌ها و سلطه آن‌ها را گزارش می‌دهد: «اوان و همازی» شهرهایی از ایلام، «ماری»، شهری در فرات میانی و «گوتیوم» در آخر نام‌برده شده است (Delaport, 1996: 21).

در بخش دیگری از فهرست شاهان سومری، از چهره‌های نیمه‌خدایی انمرکر، لوگل‌بند، دوموزی و گیلگمش به‌عنوان پادشاهان اوروک سخن رفته است. انمرکر کسی که شهر اوروک را بنا کرد - در دوره سلسله‌های اولیه II (پاتس، ۱۳۹۷: ۹۱) -، لوگل‌بند روحانی که شغل او چوپانی بود و دوموزی خدای گیاهان؛ در سنت‌های ادبی سومری درگیری‌هایی را با ایلام به آن‌ها نسبت می‌دهند. در حماسه انمرکر و فرمانروای آرت، پهلوانان سومری بارها از فرمانروای آرت درخواست فلزات قیمتی، سنگ لاجورد و صنعتگر شده است. در حماسه لوگل‌بند دوباره قهرمان داستان برای فرماندهی محاصره‌ای در آن سوی کوه‌های انشان در آرت به راه می‌افتد (Kramer, 1972: 37؛ کرامر، ۱۳۹۱: ۱۲؛ استولپر، ۱۳۸۹: ۳۵؛ رو، ۱۳۶۹: ۱۱۲). باور سومری‌های هزاره سوم قبل از میلاد به وجود شهری به این نام است که حتی به «هفت دیوار رنگین» آن نیز اشاره شده است. از چندین ارجاع در متون ادبی و واژه‌نامه‌ای برمی‌آید که در آن، آرت اغلب با نشان توصیف مکانی آمده است؛ در متونی از ابوصلابیخ، ایلا، ماری؟ و یک‌مورد هم در دو نسخه از متون اور سوم در نیپور، آرت این‌گونه با نشان توصیف مکانی آمده است. در یکی از متون فهرست خدایان دوره سلسله‌های اولیه به لوگل آرت اشاره شده است (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۶). داستان آرت، دسته‌ای اشعار روایی در توصیف ارتباط دولت شهر اوروک در سومر با آرت شهر یا ناحیه‌ای نامعلوم در نقطه‌ای دوردست در شرق ایران است. این متون نظم در نسخه‌هایی از دوره بابل قدیم در نیمه نخست هزاره دوم قبل از میلاد به جای مانده‌اند، گرچه نشانه‌هایی از نسخه‌های قدیمی‌تر در دوره سلسله سوم اور در دست است که آن‌ها را از روایت‌های شفاهی و مکتوب قدیم‌تر جمع‌آوری کرده و به شکل سروده‌های موجود تدوین کرده‌اند (Kramer, 1972: 37؛ استیون موری، ۱۳۸۹: ۴۴). علاوه بر این‌ها، متنی شکسته و مبهم از نیمه هزاره سوم قبل از میلاد منتشر شده که قدیمی‌ترین نسخه به‌جامانده از اشعار روایی مربوط به آرت است و در آن از آرت به‌عنوان سرزمینی که دارای منابع طبیعی است به‌همراه مگن، ملوخ و توکریش نام‌برده شده است (پیغمبری، ۱۳۹۳: ۱۵۷). احتمالاً رویدادهای گزارش شده در این اسطوره به دوره سلسله قدیم II به‌بعد مربوط می‌شود (کرافورد، ۱۳۸۷: ۱۹۸). روایت‌هایی غیر از آنچه در فهرست پادشاهان حفظ شده، مشخص کرده‌اند که در روزگار پادشاهی لوگل‌بند و دوموزی، ایلامیان از کوه‌هایی که در آن زندگی می‌کردند به سومر حمله کردند (کامرون، ۱۳۸۶: ۲۱). به همین‌گونه سنت‌های ادبی در پیوند با گیلگمش، به دلآوری‌های او در کرانه رودخانه اولای (کرخه امروزی) و کوه‌های آن سوی آن اشاره دارند (استولپر، ۱۳۸۹: ۳۵).

در فهرست نام‌های جغرافیایی مکشوف از ابوصلابیخ و ایلا، اسامی مناطقی دیده می‌شود که سه منطقه از قرار معلوم در نواحی باتلاقی در غرب ایلام قرار داشتند؛ از جمله منطقه معروف به اروخ/ آر- او/ آر-وه که در برخی منابع سگ-کول-نیم‌کی، به معنی «آذرخش ایلام» آمده است. مدرک دیگری که کیش را در دوره سلسله‌های قدیم III به ایلام پیوند می‌دهد، به شکل نسخه‌ای از کتیبه نذری سلسله قدیم از نوع اور III متعلق به «انه ایل پسر آنزو» است که او را ایلام گین شد «او» که ایلام را فتح کرد» می‌خواند (Faryane, 1992: 71؛ پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۱). همچنین در کتیبه‌های هدایی یک پادشاه سلسله آغازین کیش به نام «انا-ایل»، که در فهرست شاهان سومری نام او دیده نمی‌شود، یاد جنگ با ایلام را گرامی داشته است (استولپر، ۱۳۸۹: ۳۵).

به جز کیش و اور، در دوره سلسله قدیم III، لاگاش نیز ارتباط‌های فراوانی با ایلام داشت. از آنجایی که لاگاش در بخش شرقی جلگه آبرفتی بین‌النهرین واقع شده بود، همواره در خط مقدم ارتباط با ایلامیان بود. از این رو پس از اورننش - یکی از قدیمی‌ترین انسی‌های تاریخی -

کوه‌نشینان اوان و خَمَازی/هَمَازی از سمت شرق به لاگاش هجوم بردند و برسومر فرمان راندند. اَناتوم نوه اورننش ایلامیان ساکن «کوهستان پرشکوه» را درهم شکست و از کشته‌هایشان پشته ساخت (Frayne, 1992; پیغمبری، ۱۳۹۳: ۸۳). وی که (حدود ۲۴۶۰ ق.م.ی) یکی از قدیمی‌ترین فرمانروایان سلسله نخست لاگاش بود، چند کتیبه از خود به جای گذاشته و در آن‌ها از پیروزی‌هایش بر ایلام، می‌شیم/پَشیم، اوروآز، اَرَو و سوَبرتو سخن گفته و مدعی است که می‌شیم/پَشیم را به تصرف خود درآورده است (پاتس، ۱۳۹۵: ۱۴۵-۱۴۴؛ ۱۳۹۷: ۲۴). همچنین کتیبه‌ها می‌گویند که «اَناتوم» لاگاش سومر را از ایلامی‌ها پاکسازی کرد، کوه‌نشینان شگفت‌آور ایلام را بشکست و از کشته آن‌ها پشته ساخت؛ هنگامی که ایلام و کشورهای دیگر بشوریدند، وی ایلامیان را به سرزمین‌های خود که فتح کرده بود، برد (کمرن، ۱۳۸۶: ۲۱؛ رو، ۱۳۶۹: ۱۳۱). این نکته جالب توجه است که اَناتوم فاتح سومری لاگاش بر سنگ‌نگاره کرکس‌ها نام شوش را برای اول بار ذکر می‌کند (آمی، ۱۳۸۹: ۸۱). شاید به سبب این لشکرکشی‌هاست که در طول فرمانروایی لوگالاندا و اروکاگینا دو فرمانروای بعدی لاگاش، بین لاگاش و ایلام آمدوشد قابل ملاحظه‌ای گزارش شده و دست‌کم شانزده نفر با نام‌های ایلامی در متون اواخر دوره پیش سارگونی مکشوف از لاگاش دیده می‌شوند. همچنین در متن دیگری درباره لاگاش متعلق به سلسله قدیم در زمان فرمانروایی اروکاگینا آمده است که لوانه سرپرست معبد اِنین-مارکی در گوآب (بندر لاگاش) نیروی ۶۰۰ نفری از ایلامی‌هایی را که می‌کوشیدند غنایم را از لاگاش به ایلام ببرند، شکست داد. در متن DP164 به سرپرست دیگر معبد اِنین-مارکی به نام آگریگری اشاره می‌کند که هنگام اقامتش در می‌شیمه یکی از شهرها/مناطق که مغلوب اَناتوم شد، مواد گوناگونی برای ساخت ماء‌الشعیر دریافت کرد. از روتز شهر دیگری که به دست اَناتوم افتاد، دسته‌ای باغبان برای کار در باغ‌های اروکاگینا فراهم آمد. از روتز در سال‌های لوگالاندا ۲ و ۶ نیز چهار متن مربوط به تهیه آذوقه برای کشتی وجود دارد (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۴۱؛ Selz, 1991: 41-42). الواح دوره پیش از سارگون، به دست آمده از لاگاش، پیوندهای بازرگانی میان لاگاش و ایلام را گزارش می‌دهند و به آگاهی‌های موجود درباره روابط این دو منطقه می‌افزایند (استولپر، ۱۳۸۹: ۳۷). به نظر می‌رسد اَناتوم یا یکی از جانشینانش موفق شده اداره راه‌های منتهی به شوشان را در دست گیرد، چراکه متون به دست آمده از لاگاش به فعالیت‌های تجاری قابل توجهی بین لاگاش و ایلام اشاره می‌کنند. قایق‌هایی از ایلام کالاهای تجاری به لاگاش برده شده که یکی از این کالاهای، پشم بوده که آن را ایلامیان با جو مبادله می‌کردند. نقره از ایلام برای خرید کالا وارد می‌شد، احشام را در ایلام می‌خریدند و کالاهای چوبی را با قایق به ایلام می‌آوردند (کالینز، ۱۳۹۶: ۷۸). در یک متن اداری از سلسله‌های قدیم III از مالکیت (برای تجارت) یک مینای قلع - واحد اندازه قلع - توسط انسی اوروآ سخن رفته است (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۵۴). اگرچه متون اقتصادی لاگاش فرمانبرداری بعضی از نواحی بخش‌های ایران را در نیمه هزاره سوم قبل از میلاد تأمین نیروی کار از سوی آن‌ها و به طور کلی افزایش آمدوشد بین جنوب غرب ایران و جنوب بین‌النهرین را در حدود ۲۴۰۰-۲۶۰۰ ق.م. نشان می‌دهد، اما مدرکی در دست نیست که نشان دهد شهری بین‌النهرینی بر یکی از همسایگان شرقی‌اش در این زمان نفوذ سیاسی پایدار داشته است (پاتس، ۱۳۸۵: ۱۶۰). پیش از پیش مشخص شده است که از همان مراحل آغازین شکل‌گیری نگارش در سومر، ایلام در نظر سومریان جایگاه ویژه‌ای نسبت نواحی دیگر دارای منابع معدنی داشت. سومریان تهیه فلزات، سنگ‌ها و الوار مورد نیازشان را از ایلام در الویت قرار می‌دادند (استیون موری، ۱۳۸۹: ۵۱). همچنین در فهرست پادشاهان سومری (حدود ۲۱۰۰ ق.م.ی)، ۳۶۵ سال پادشاهی را به اوان نسبت می‌دهند و به سه پادشاه اشاره می‌کنند که همه آن‌ها آسیب دیده‌اند و فقط قطعاتی از نام فرمانروای سومر «کو-أل-...» به جای مانده است. سلسله اوان توسط سلسله نخست اور که مسنپد در سال ۲۵۰۰ ق.م. آن را بنیان نهاده بود، سقوط کرد (Potts, 1999: 88; Gelb & Kienast, 1990: 317)؛ رو،

۱۳۶۹: ۱۳۰). دبیران با دل‌هایی غمگین به نوشتن این حقیقت می‌پردازند که مدت‌های مدیدی پادشاهی، اوروک را ترک کرده و به آوان انتقال یافته است (کمرن، ۱۳۸۶: ۲۱). در متون متأخر - با وجود اینکه رونوشت‌هایی از متون اواسط هزاره سوم قبل از میلاد بودند (هرچند متون اواسط هزاره سوم قبل از میلاد کمیاب هستند) - به دو مکان شوش و آوان به عنوان موقعیت‌های اواسط هزاره سوم قبل از میلاد اشاره شده است. هر دو نقطه در متون متأخر به عنوان مراکز سیاسی ظاهر می‌شوند (میچالووسکی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۱). همچنین متون، مأخذی مهم برای مورد بررسی قرار دادن فهرست بی‌همتایی است که در شوش پدیدار شده است. این فهرست که آن را به سال‌های ۱۸۰۰ تا ۱۶۰۰ ق. م. نسبت داده‌اند، با دوازده نام کوتاه‌شده به اکدی، به عنوان «دوازده شاه آوان» آغاز می‌شود. البته نه به سال‌های پادشاهی و نه به پیوندهای خویشاوندی این پادشاهان با یکدیگر اشاره‌ای نشده است. هفت نام نخست در این فهرست، در دیگر متون شناخته‌شده دیده نمی‌شوند. هشتمین نام، لوه‌ایشن، گونه نوشتاری دیگری از نامی است که سارگون اکدی او را لوه-ایشن، پسر پادشاه ایلام خوانده است. پذیرفتنی است که نام هشب-راتپ، یعنی نهمین نام در این فهرست، ریخت نوشتاری دیگری از نام هیشی‌پزشینی باشد که در متون سارگون به او اشاره شده است. این فهرست به عنوان یک زنجیره جانشینی ناگسسته شناخته می‌شود. تاریخ این دودمان می‌تواند تا حدود ۲۵۰۰ ق. م. به پیش بازگردد و اگر چنین باشد، این فهرست یا یک جانشینی و هم‌پوشانی سلسله آوان در فهرست شاهان سومری را نشان می‌دهد و یا جانشین شدن یک سلسله را در همان جا گزارش می‌کند. با این همه، هیچ اطمینانی وجود ندارد که فهرست به دست آمده از شوش، فهرستی ناگسسته یا درست از نخستین پادشاهان ایلام را به دست ما داده باشد (Gelb & Kienast 1990: 53; Vallat, 1985: 180, 188; Zadok, 1991: 226; استولپر، ۱۳۸۹: ۳۹). علاوه بر این در پرستشگاه لیان، در ریشهر نزدیک بوشهر امروزی، کهن‌ترین مدرک موجود از زبان ایلامی به دست آمده که مربوط به «پلی» - شخصیتی که دودمان آوان را پایه‌گذاری کرد - بوده است (کمرن، ۱۳۸۶: ۲۴; اعراب، ۱۳۹۶: ۱۰).

در مجموع با توجه به اطلاعات نوشتاری دوره‌های بعدی بین‌النهرین (اکدی و سومرنو) می‌توان سابقه برخورد‌های ایلام و بین‌النهرین را چه به صورت خصمانه و چه دوستانه مورد پی‌جویی قرار داد. رابطه دو قدرت همواره دچار بی‌ثباتی بود: احترام متقابل مضطربانه، اغلب به دشمنی‌های مقطعی بدل می‌شد که گاه نیز جنگ تمام‌عیاری را در پی داشت. گرچه گاه آتش بس و یا حتی اتحادی برقرار می‌شد، اما دو قدرت بیشتر باهم سر جنگ داشتند (پاتس، ۱۳۹۷: ۱۹; همچنین ن. ک. به: پاتس، ۱۳۸۵; استولپر، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

آنچه منابع نوشتاری نشان می‌دهند، وجود ارتباط فرهنگی/اقتصادی و خصمانه در فاصله زمانی بین آغاز ایلامی تا ایلام قدیم است؛ نه تنها ایالت ایلام و ولایات ایلامی وجود داشته‌اند؛ بلکه آنقدر قدرتمند بوده‌اند که بتوانند در مقابل حملات بین‌النهرینی‌ها از خود دفاع کنند و حتی به بین‌النهرین حمله کنند. در برخی موارد نیز که متون بین‌النهرینی سومری به ارتباط با ایلام و دولت‌شهرهای آن اشاره نموده‌اند، حتی در نزاع‌هایی از پیروز شدن بر این شهرهای ایلامی بر خود بالیده‌اند. این موارد در کنار داده‌های باستان‌شناسی نشان‌دهنده آن است که نیمه اول هزاره سوم قبل از میلاد، یعنی از اوج آغاز ایلامی تا ایلام قدیم، نام ایلام و ولایات ایلامی به صورت متوالی به عنوان یک همسایه قدرتمند در شرق سومر وجود داشته و دارای تبادلات فرهنگی، اقتصادی و همچنین برخورد‌های خصمانه بوده‌اند.

پی‌نوشت

1. Lugal- Nim

کتابنامه

- آمیه، پی‌یر (۱۳۸۹). «روابط ایران و بین‌النهرین از ۱۶۰۰-۳۵۰۰ ق.م.» در *بین‌النهرین و ایران باستان*. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۶۷). «سپیده‌دمی که به روشنایی می‌گراید». *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*. شماره ۳. صص: ۷۸-۷۷.
- ارفعی، عبدالمجید (۱۳۷۶). «شیوه برگردان نام‌ها و واژگان - زبان‌های سومری، اکدی (بابلی و آشوری) و ایلامی به پارسی». در: *مجموعه مقالات یاد بهار*، تهران: انتشارات آگه. صص: ۸۴-۷۵.
- استولپر، ماتیو. ولفانگ (۱۳۸۹). *تاریخ ایلام*. ترجمه شهرام جلیلیان، تهران: انتشارات توس.
- استیون موری، پیتر. راجر (۱۳۸۹). «آیا ایران به منزله‌الدورادوی سومریان بوده است؟». *بین‌النهرین و ایران در دوران باستان*. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- اشمانت- بسرات، دنیز (۱۳۹۵). *نگارش چگونه پدید آمد*. ترجمه علی‌اکبر وحدتی، تهران: انتشارات شاپیکان.
- اعراب، علی (۱۳۹۶). «بررسی جای نام‌های مرتبط با خلیج فارس در دوره ایلام». *فصلنامه مطالعات خلیج فارس*. دوره ۳. شماره ۹. صص: ۱۷-۶.
- اکبری، حسن؛ و حصاری، مرتضی (۱۳۸۳). «پیدایش نگارش در ایران». *مجله مطالعات ایرانی*، شماره ۶. صص: ۴۶-۲۷.
- پانس، دنیل (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی ایلام*. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- پانس، دنیل (۱۳۹۱). «کاسه‌های لبه‌واربخته و نان‌پزی‌ها». ترجمه نصیر اسکندری و سعدی سعیدیان. *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس*. سال سوم و چهارم. شماره‌های ۶ و ۷. صص: ۷۱-۵۶.
- پانس، تیموتی. اف (۱۳۹۷). *ایران در اسناد میان‌رودانی*، هزاره سوم و دوم پیش از میلاد. ترجمه خشایار بهاری، تهران: نشر فرزاد روز.
- پیغمبری، حمیدرضا (۱۳۹۳). «جغرافیای تاریخی سرزمین‌های حوزه خلیج فارس در هزاره سوم ق.م». رساله دکتری تاریخ دانشگاه تهران.
- جانسون، ا. گرگوری (۱۳۸۲). «نه‌هزار سال تغییر اجتماعی در غرب ایران». *باستان‌شناسی غرب ایران*. به‌کوشش فرانک هول. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- حصاری، مرتضی (۱۳۷۸). «فرهنگ آغازایلامی در ایران». *مجله باستان‌پژوهی*. شماره‌های ۵ و ۶. صص: ۲۰-۱۴.
- حصاری، مرتضی (۱۳۹۲). *شکل‌گیری و توسعه آغازنگارش در ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- دال، یاکوب (۱۳۹۴). «ارزیابی دوباره نگارش آغازین». ترجمه پارسا دانشمند. *مجله اثر*. شماره ۶۸. صص: ۹-۱.
- رو، ژورژ (۱۳۶۹). *بین‌النهرین باستان*. ترجمه عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی، تهران: نشر آبی.
- رید، جولین (۱۳۸۶). *بین‌النهرین*. ترجمه آذر بصیر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سرلک، سیامک (۱۳۸۹). *فرهنگ هفت هزارساله شهر قم*. قم: انتشارات نقش.
- سرلک، سیامک (۱۳۹۰). *باستان‌شناسی و تاریخ قم*. قم: انتشارات شاخص.
- ساخت، رابرت (۱۳۸۲). «فرهنگ‌های تاریخی اولیه». *باستان‌شناسی غرب ایران*. به‌کوشش:

فرانک هول. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.

- کالینز، پال (۱۳۹۶). کوه‌ها و دشت‌ها: ایران باستان و بین‌النهرین. ترجمه عباس مقدم، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- کرامر، سمیوئل. نوآ (۱۳۹۱). الواح سومری. ترجمه داود رسائی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کرافورد، هریت (۱۳۸۷). سومر و سومریان. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.

- کمرون، جرج. گلن (۱۳۸۶). ایران در سپیده دم تاریخ. ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- کوهل، فیلیپ (۱۳۸۷). «حکومت‌های درجه دو شرق سومر: توصیف مقدماتی جغرافیای سیاسی شرق ایران». در: مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل: جیرفت. به‌کوشش یوسف مجیدزاده، کرمان: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان.

- گوپنیک، هیلاری؛ و راثمن، میچل (۱۳۹۵). در مسیر شاهراه: پژوهش‌های باستان‌شناختی در گودین تپه. ترجمه محمدامین میرقادری و هادی صبوری، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

- علیزاده، عباس؛ احمدزاده، لقمان؛ و امیدفر، مهدی (۱۳۹۵). سیستم‌های استقراری و فرهنگ‌های باستانی دشت رامهرمز. ترجمه ماندانا کرمی و رامین یشمی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

- میچالووسکی، پیوتر؛ دومبروشیچی، پیر؛ و رایت، هنری (۱۳۹۵). «مدارک نوشتاری دشت دهلران از ۲۵۵۰ تا ۳۲۵ ق.م.». در: سکونت‌گاه‌های عیلامی و هخامنشی دشت دهلران. به‌کوشش: هنری رایت و جیمز نیلی. ترجمه حسنعلی عرب، شیراز: دانشگاه هنر شیراز.

- مجیدزاده، یوسف (۱۳۸۲). سومین فصل حفريات باستان‌شناختی در محوطه ازبکی: ساوجبلاغ. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور- پژوهشکده باستان‌شناسی.

- مجیدزاده، یوسف (۱۳۹۰). گزارش‌های محوطه باستانی ازبکی. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران.

- نیسن، هانس. یورگ (۱۳۸۹). «زمینه ظهور نگارش در بین‌النهرین و ایران». بین‌النهرین و ایران در دوران باستان. ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.

- هینتس، والتر (۱۳۸۶). شهریارای ایلام. ترجمه پرویز رجبی، تهران: نشر ماهی.

- هینتس، والتر (۱۳۹۶). دنیای گمشده عیلام. ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- یغمایی، احسان (۱۳۹۰). «کاوش‌های نجات بخش در تپه حصار دامغان». نشست تخصصی آغاز نگارش در مرکز فلات ایران. پاییز و زمستان ۱۳۷، تهران: موزه ملی ایران.

- Abdi, K. (2001). "Malyan 1999". *IRAN*. Vol 30. pp: 73-98.

- Alden, John. (1982). "Trade and politics in Proto- Elamite Iran". *Current Anthropology* .Vol 23(6). pp: 613-640.

- Alizadeh, A. (2010). "The Rise of the Highland Elamite in Southwestern Iran". *Current Anthropology*. vol 5(13). pp: 353-376.

- Amiet, P. (1972). *Glyptique Susienne. des origines à l'époque des Perses Achéménides*. Cachets, sceaux-cylindres et empreintes, Paris,

- Brentjes. B. & Tosi, M. (1983). "On Proto-Elamite Iran". *Current Anthropology*.

Vol 24. pp: 240-241.

- Caldwell. J. R. (1968). "Tall.i Ghazir". *Reallexikon der Assyriologie und vorderasiatischen Archäologie* 3. pp: 319-355.
- Carter, E. (1998). "The Archaeology of Elam". In: *Encyclopedia Iranica*. Edit by Ehsan Yarshater. vol VIII. pp 313-325
- Dahl, J. L. (2010). "Deciphering Proto-Elamite". *RAI* 51. Chicago.
- Dahl, J. L.; Hessari, M. & Yousefi Zoshk, R. (2012). "The Proto-Elamite Tablets from Tape Sofalin". *Iranian Journal of Archaeological Studies* 2(1). pp: 54-73.
- Dahl, J. L.; Petrie, A. C. & Patts. D. T. (2013). "Chronological Parameters of the earliest writing system in Iran". In: *Ancient Iran and its Neighboring Regions*. Oxbow Books, Oxford, UK. pp: 353- 378.
- Delaport, L. (1996). *Mesopotamia, the Babylonian and Assyrian Civilization*. Translated by V. Gordon Child. London & New York.
- Dyson, R. H. & Howard, S. A. (1989). *Tepe Hissar: Reports of the Restudy Project 1976*, Firenze: Case Editrice le Lettere.
- Englund, R. (1998). "Elam IV. Proto-Elamite". In: *Encyclopedia Iranica*. pp: 325-330.
- Gelb. I. J & Kienast. B. (1990). *Die Altakkadischen Königsinschriften des Dritten Jahrtausends*. V. Chr. Franz Steiner Verlag. Stuttgart.
- Frayne, D. R. (1992). "The Early Dynastic List of Geographical Names". *AOS* 14. pp: 58-59. New Haven
- Girshman. R. (1934). "The Tablette Proto-Elamite du Plateau Iranien". *Revue d'Assyriologie* XXXI. pp: 115-119.
- Hessari, M. (2011). "New Evidence of the Emergence of Complex Societies Discovered on the Central Iranian Plateau". *Iranian Journal Of Archaeological Studies* 1(2). pp:35-48
- Hessari, M. & Yousefi Zoshk. R. (2013). "New Evidences on Emergence of Complex Societies in the Central Iranian Plateau". In: *Susa and Elam. Published: Brill*.
- Jacobsen, T. (1939). *The Sumerian King List*. Chicago: AS 11.
- Kramer, N. Samuel. (1972). *The Sumerians*. The University of Chicago Press.
- Lamberg-Karlovsky. C. C. (1971). "Proto- Elamite at Tape Yahya". *Iran*. vol (9): 87-96.
- Lamberg-Karlovsky. C. C. (1976). "The Third Millennium at TepeYahya. A Preliminary Statement". *Archaeological Research in Iran*. pp: 71-84.
- Mutin, B. & Karlovsky-Lamberg, C. C. (2013). *The Proto- Elamite settlement and Its Neighbors*. Publication by the American School of Prehistoric Research.
- Oates, J. (1986). *Babylon*. Thames and Hudson. London.
- Oppenheim. A. L. (1964). *Ancient Mesopotamia*. The University of Chicago press.
- Potts, D. T (1999). *The Archaeology of Elam*. Cambridge University Press. Cambridge.

- Schmidt, F. (1937). *Excavations at Tepe Hissar, Damghan*. Philadelphia. Publications of the Iranian section of the University Museum.
- Scheil, V. (1906). "Steme De Numeration Proto Elamite". *MDP6*. Paris.
- Scheil, V. (1923). "Textes de Comptalite. Proto Elamite". *MDP 17*. Paris.
- Scheil, V. (1935). "Textes de Comptalite. Proto Elamite". *MDP 26*. Paris.
- Selz, G. J. (1991). "Elam und Sumer: Skizze einer Nachbarhaftnachinschriftlichen Quellen der Varsargonischen Zeit. Occasional Publication 1". *Belgium*. pp: 27-43.
- Steibel, H. (1982). *Die Altsumerischen Bau- und Weihinschriften I-II*. Wiesbaden: FAOS5.
- Stolper, M. W. (1985). *Proto Elamite Texts from Tall- I Malyan*. Kadmus. Band XXIV. Heft 1.
- Sumner, William. (1973). "Tall-i-Malyan and Chronology Kur River. Iran". *American Journal of Archaeology*. Vol 77(3). pp: 288-290.
- Tosi, Maurizio. (1983). "Excavation at Shahr-I Sokhta, Season 1969-1970", In: M. Tosi, *Prehistoric Sistan 1*, Roma. pp: 73-126.
- Vallat, F. (1985). "Eléments de géographie Elamite (resume)". *Paleorient*. Vol 11. No2. pp: 49-54.
- Whitcomb, D. (1966). "The proto Elamite at Tall- Ghazir. Iran". M.A. Thesis. University of Georgia.
- Weiss, T. & Young, C. (1975). "The Merchants of Susa: Godin V and plateau – lowland Relations in the Late Fourth Millennium B.C". *IRAN*. Vol 13. pp:1-18.
- Zadok, Ran. (1991). "Elamite Onomastics". *SEL* 8. pp: 225-237.
- Zadok, Ran. (1994). "Elamites and other Peoples from Iran and the Persian Gulf Region in early Mesopotamian Sources". *IRAN*. Vol 32. pp: 31-51.
- Zadok, Ran. (1995). "On the Current State of Elamite Lexicography". *Sel* 12. p: 241.